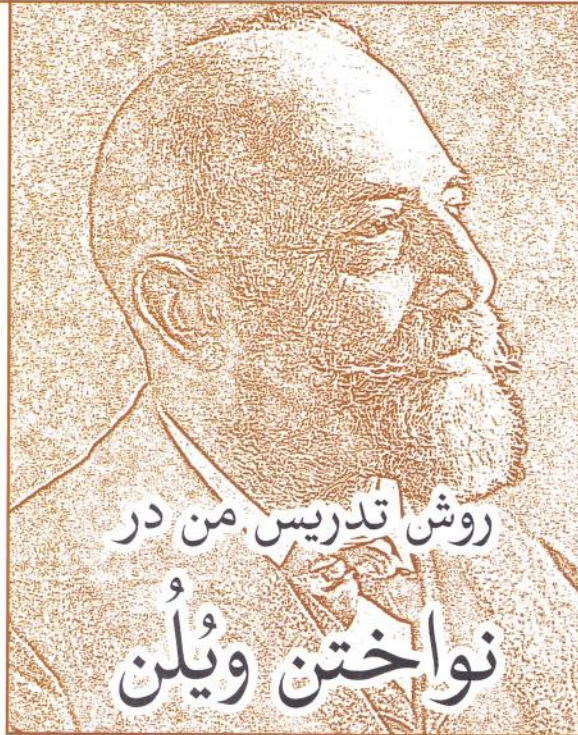


لئوپولد آوئر



روش تدریس من در
نواختن ویلن

ترجمه زهرا نازیار، زهرا سلطانی
مقابله و ویرایش شهاب منا



نشر خنیاگر

تلفن: ۴۴۶۶۸۹۴۳ (تلفکس) و ۰۹۱۹۱۲۶۸۱۰۶

Email: khonyagarPub@gmail.com

کانال نشر خنیاگر: telegram.me/khonyagarPublications

روش تدریس من در نواختن ویلن

اثر لئوپولد آوئر

ترجمه زهرا نازیار، زهرا سلطانی

مقاله و ویرایش شهاب منا

طراح جلد، حروف نگار و نت نویس زهرا نازیار

ویرایش تصاویر محمدصادق حیدری، زهرا نازیار

چاپ اول ۱۴۰۲

تعداد ۲۰۰ نسخه

© حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۴۹۵۱-۶-۲ ISBN: 978-622-94951-6-2

فهرست مطالب

۹	یادداشت ناشر
۱۳	سراغاز
۱۵	مقدمه
۱۹	فصل اول: چگونه نواختن ویلن را فرا گرفتیم
	فصل دوم: نحوه نگاه داشتن ویلن
۳۰	۱. ساز ویلن
۳۲	۲. موقعیت انگشت شست
۳۳	۳. آرشه
۳۵	فصل سوم: چگونه تمرین کنید
۳۹	فصل چهارم: تولید صدا
۴۲	برخی نکات درباره تولید صدا
۴۴	ویراتو
۴۶	پیرامنتویا گلیساندو
۴۸	فصل پنجم: نکاتی درباره آرشه کشی
۴۸	۱. دتاشه (آرشه جدا)
۴۸	۲. مارتله
۴۹	۳. استاکاتوی چپ و راست
۵۰	۴. استاکاتوی پریده
۵۰	۵. اسپیکاتوی پریده
۵۱	۶. ریکوشه - سالتاتو (آرشه پرشی به پایین)
۵۲	۷. ترمولو
۵۲	۸. آرپژ
۵۳	۹. لگاتو

فصل ششم: تکنیک‌های دست چپ

- ۵۶----- تغییر پُزیسیون
- ۵۸----- فشار انگشتان بر سیم‌ها
- ۵۹----- گام و دیگر تمرینات
- ۶۲----- گام‌های کروماتیک
- ۶۳----- انگشت‌گذاری
- فصل هفتم: نتِ دوپل-تریپل
- ۶۷----- ۱. اجرای گام‌ها با فواصل سوم
- ۶۹----- ۲. اجرای گام‌ها با فواصل چهارم
- ۷۱----- ۳. اجرای گام‌ها با فواصل ششم
- ۷۲----- ۴. اکتاوهای ساده (انگشت‌گذاری 1-4)
- ۷۳----- ۵. فینگ‌رُذ اکتاو
- ۷۴----- ۶. فواصل دهم
- ۷۴----- ۷. تریپل
- ۷۷----- ۸. آکوردهای سه صدایی و چهار صدایی
- ۷۸----- فصل هشتم: نت‌های زینت-پیتزیکاتو
- ۸۰----- پیتزیکاتو
- فصل نهم: هارمونیک
- ۸۲----- هارمونیک‌های طبیعی
- ۸۲----- هارمونیک‌های مصنوعی
- ۸۴----- هارمونیک‌های دوپل
- ۸۶----- فصل دهم: نوآنس-روح تفسیر موسیقایی، جمله بندی
- ۹۸----- جمله بندی
- ۱۰۱----- فصل یازدهم: سبک
- ۱۲۳----- فصل دوازدهم: اعصاب و ویلن نوازی
- ۱۲۷----- فصل سیزدهم: رپرتوار ویلن دیروز و امروز
- ۱۳۵----- فصل چهاردهم: نکات رپرتوار عملی

فصل اول چگونه نواختن ویلن را فرا گرفتم

هنگامی که برای اولین بار نواختن ویلن را شروع کردم، کمی بیش از شش سال داشتم. معلم من نوازنده ویلن اول ارکستر کوچکی بود که یکشنبه‌ها و روزهای جشن برای کلیسای کاتولیک شهر کوچکی از مجارستان که من در آن متولد شدم موسیقی اجرا می‌کرد. این معلم چیره‌دست حرفه خود را به ویلن محدود نکرده بود. او پیانو هم تدریس می‌کرد و مانند بسیاری از همکارانش در آن روزها نواختن ارگ و رهبری ارکستر را با هم ادغام می‌کرد و درحالی‌که با پاهایش ضربه می‌زد با یکی از دو دستش رهبری می‌کرد، می‌چرخید و می‌چرخید و با دست دیگر مشغول نواختن کلیدهای ارگ بود. شصت هفتاد سال پیش، به خصوص در آن شهر کوچک مجارستان، ما منابع آموزشی‌ای را که این روزها در اختیار داریم نداشتیم! در آن زمان، نه چیزی به عنوان روش خاص آموزشی وجود داشت و نه اصول یا نظام آموزشی خاصی. هر معلم به بهترین نحو که می‌دانست و بدون هیچ نظارتی تدریس می‌کرد.

به طور کلی، از آن زمان تاکنون آموزش پیشرفت شگرفی داشته و آموزش ویلن نیز از این قافله عقب نمانده است. اکنون به لطف تمرینات مخصوصی که برای اهداف ویژه طراحی شده‌اند، تمرین‌های گام، اتودهایی که به شکلی نظام‌مند و تدریجی^۱ تنظیم شده‌اند، حجم عظیمی از ادبیات مکتوب به راحتی برای هنرجویان جوان امروزی در دسترس است. هنرجو با چنین امکانات و منابع غنی آموزشی‌ای که در

1. systematically and progressively

اختیارش گذاشته شده است به هر درجه‌ای که شایسته استفاده از فرصت هایش باشد می‌تواند از آنها سود ببرد.

از درس‌های ویلن خودم در حدود هفتاد سال پیش چیز کمی به خاطر دارم. هفته‌ای سه یا چهار بار نزد معلم می‌رفتم تا درس بگیرم اما دیگر به خاطر ندارم که استاد چه درس‌هایی به من می‌داد یا چگونه به من می‌آموخت. من به مدت دو یا سه سال نزد او آموزش دیدم تا اینکه پدر و مادرم، با اینکه ثروتمند نبودند، به توصیه دوستان، تصمیم گرفتند مرا به بوداپست^۱، پایتخت مجارستان، بفرستند تا وارد کنسرواتوار موسیقی آنجا شوم.

پدر و مادرم با یکی از استادان ویلن کنسرواتوار، آقای ریدلی کُن^۲، آشنا بودند؛ فردی که اهل زادگاه ما بود و در آن شهر بزرگ جایی برای خود باز کرده بود و از مشهورترین اشخاص شهر شناخته می‌شد. در آن زمان، هنوز هنر بزرگ تبلیغات توسعه نیافته بود و آوازه و شهرت یک هنرمند با حکایت‌ها و شایعات و چیزهایی که درباره او می‌گفتند تثبیت می‌شد. آقای کُن، معلم آینده من، شهرتی در اروپا کسب نکرده بود و تنها در زادگاه خودش و من و تا حدی بوداپست شناخته شده بود. در مجارستان کوچکی که من در آن زندگی می‌کردم رسیدن به استادی هنرستان در بزرگ‌ترین شهر مجارستان جایگاه واقعاً برجسته‌ای محسوب می‌شد.

هنگامی که به بوداپست رسیدم، در کنسرواتوار به عنوان هنرجو پذیرفته شدم و هم‌زمان در مدرسه‌ای شبانه‌روزی ثبت‌نام کردم؛ مدرسه‌ای که تقریباً با دبیرستان آمریکایی هم‌سطح بود. علاوه بر اینکه در هنرستان به‌طور منظم درس می‌خواندم قرار شد با استادم دروس اختصاصی بگذرانم. باید به این نکته اشاره کنم که معلم من مایستر آرکستر در خانه‌ی اُپرای ملی بوداپست بود و در کنار او بین نوازندگان ویلن اول آرکستر و مدرسان کنسرواتوار، پدر جنو هوبای^۳، نوازنده ویلن و آهنگساز معروف آن زمان بود که با نام هوبر^۴ شناخته می‌شد.

1. Buda-Pest
2. Ridley Kohné
3. Jenő Hubay
4. Huber

به خاطر دارم اولین بار در بوداپست طبق برنامه آموزشی مدرسه ویلن که توسط آلارد^۱، استاد آن زمان کنسرواتوار پاریس، طراحی شده بود تحصیل روش مند را آغاز کردم. در آن روزها، فرانسه از نظر موسیقی بر تمام اروپا، به ویژه اروپای شرقی، برتری داشت. پاریس تصویررؤیایی شناوری در پیش چشمان هردانشجوی جوان و هر هنرمند جویای نام بود. اما پاریس بسیار دور از دسترس بود و رؤیای رسیدن به آن بسیار دشوار به نظر می رسید! به دلیل نبود راه آهن کافی در مجارستان رسیدن به شهر مورد نظر کار آسانی نبود. با این حال، هر نوازنده با تمام تخیل و الهام به آن شهر در کنار رود سین کشیده می شد. پاریس، کنسرواتوار پاریس که هدف ما بود، کنسرواتوارهای وین^۲ و لایپسیک^۳، علی رغم اهمیت واقعی، در آن زمان به ندرت شناخته شده بودند. با این حال، در نتیجه تحصیل در مدرسه آلارد کمی مهارت های تکنیکی به دست آوردم و در حد توانایی هایم نواختن قطعات کوچکی، نظیر اتودهای آهنگسازانی چون دی بریو و آرتوت^۴ در کنسرواتوار بوداپست را شروع کردم. (دومی یک ویلن نواز بلژیکی بود که موسیقی اش بسیار تحت تأثیر هم عصرانش قرار داشت.) به یاد ندارم که در بوداپست اتودهای کروتز^۵ و رود^۶ را تمرین کرده باشم اما به خاطر دارم اتودهای روولی^۷ را نواختم.

من دو سال در پایتخت مجارستان گذراندم و سپس به وین نقل مکان کردم تا در خانه پروفیسور ژاک دوئت^۸ ادامه تحصیل دهم که آن زمان با وجود نبوغ واقعی او به عنوان یک معلم، شاید به دلیل تواضعش، چندان شناخته شده نبود. به دلیل مهارت بی مانند ژاک دوئت به عنوان یک معلم و به لطف علاقه ای که به من داشت شروع به شناخت و درک شخصیت واقعی ویلن کردم و در همان زمان دانستم که

1. Alard

2. Vienna

۳. Leipsic: لایپسیک یک املای سابق انگلیسی و بسیار نادر فرانسوی برای شهر آلمانی لایپزیگ است. (مترجم)

4. Artot

5. Kreutzer

6. Rode

7. Rovelli

8. Professor Jacques Dont

تسلط بر این ساز واقعاً چقدر دشوار است. دوئت بود که اساس تکنیکی را که بعدها به دست آوردم پی‌ریزی کرد. تا پیش از اینکه با او شروع به تحصیل کنم تنها در تاریکی دست و پا می‌زدم و احساس می‌کردم از یک نقطه تکنیکی به نقطه دیگر می‌پریم. او مرا در تمرینات مقدماتی اتودهای کروتز و رود، "Vortübungen zu den Kreutzer und Rode Etüden"، راهنمایی کرد بدون اینکه اجازه دهد از گام غافل شوم و به تدریج مرا با بیست و چهار کاپریس دوئت آشنا کرد که اکنون در سراسر دنیای ویلن استفاده می‌شود اما در زمانی که آنها را می‌آموختم، ۱۸۵۶-۱۸۵۵ [۱۲۳۴-۱۲۳۳ش]، تقریباً ناشناخته بودند.

همچنین نواختن برخی از کنسرتوها و دوئت‌های اشپور برای دو ویلن را شروع کردم که پروفیسور دوئت مرا بسیار تحسین کرد و همچنین او بود که اولین درس‌های پیانورا به من آموخت و در مدت زمانی که هنوز در خانه‌اش زندگی و کار می‌کردم مرا با سونات‌های پیانوی موتسارت^۱ و اتودهای چرنی^۲ آشنا کرد.

متأسفانه وضعیت مالی من، یا بهتر است بگویم وضعیت پدر و مادرم، موجب شد نتوانم تحصیلاتم را نزد این معلم ممتاز ادامه دهم؛ مردی که چنین مهربانی سخاوتمندانه‌ای به من نشان داده بود و کسی که این چنین به حرفه‌ام علاقه داشت.

هنگامی که در وین زندگی می‌کردم، از طرف پروفیسور دوئت تشویق شدم که برای ادامه تحصیل در هارمونی، موسیقی مجلسی و نوازندگی ارکستر در کنسرواتوار وین شرکت کنم و گهگاه در کلاس‌های ویلن جوزف هلمزبرگر^۳، که از نوازندگان عالی‌رتبه و مشهور موسیقی کوارتت زهی بود، شرکت می‌کردم. او ویلن اول گروهی بود که در آن زمان شناخته شده بود: «کوارتت هلمزبرگر». همچنین هلمزبرگر رهبر کلاس ارکستر بود و با وجود اینکه اصلاً نمی‌دانستم چگونه در ارکستر بنوازم، به شدت به کار او علاقه مند بودم. به همین خاطر، اولین باری که در یکی از جلسات شرکت کردم بسیار هیجان‌زده شده بودم. از آنجا که من در کلاس‌های رهبر ارکستر در کنسرواتوار حضور داشتم، جایی بین ویلن‌های اول به من داده شد و هنگامی که شروع به اجرای اولین

1. Mozart
2. Czerny
3. Joseph Hellmesberger

Leopold Auer

VIOLIN PLAYING

As I Teach It

لئوپولد آوئر (۱۸۴۵-۱۹۳۰ م برابر با ۱۳۰۸-۱۳۴۳ ش) جزو آن دسته ویرتوزهای ویلن بود که نه تنها به سطح عالی هنر در قرن نوزدهم رسید، بسیاری از ویلن نوازان قرن بیستم را که از این سطح پیشی گرفتند نیز تربیت کرد. میشا امان، یاشا هایفتز و افرم زیبالیسست (پسر) از شاگردان آوئر بودند. از آوئر که خود شاگرد جوزف یواخیم بزرگ بود همواره به عنوان یکی از مهم ترین هنرآموزان ویلن در تاریخ یاد می شود. این مجموعه گزیده ای است از اصول و رهنمودهای استاد که پس از عمری نوازندگی و تدریس تدوین کرده است. آوئر با مثال آموزش می دهد و به معلمان ویلن تأکید می کند که پیچیدگی های اجرا را به طور عملی و با استفاده از ویلن، و نه صرفاً با آموزش کلامی، به هنرجو توضیح دهند. دیگر توصیه های او به هنرجوی ویلن، به اینکه چگونه ویلن و آرشه را در دست بگیرد، چگونه تمرین کند و چگونه به موضوعات تکنیکی ای نظیر تولید صدا، ویراتوو... بپردازد اختصاص دارد. همچنین روش های آرشه کشی، شامل لگاتو، تکنیک های دست چپ، نتِ دوپل، تریپل، پیتزیکاتو، هارمونیک ها و جمله بندی را تشریح می کند. در فصول پایانی، آوئر به موضوعات کلی تری، از جمله سبک، ترس از صحنه، تغییرات در رپرتوار ویلن و سیرتاریخی جالب آن، نکات عملی اجرای رپرتوار و قطعاتی که برای نواختن در اختیار شاگردان خود قرار می داد می پردازد. بسیاری از فصول کتاب به جزئیات شرح حال و حکایاتی درباره موسیقیدانان مشهوری که آوئر می شناخته از جمله دیویدف، ویناوسکی، سایدل، ویلهلمی، ساراسات و فون بولو- مزین شده است.

آموزش نادرست در سنین پایین برای یک نوازنده ویلن فاجعه بار است. همان طور که آوئر می گوید: «هیچ سازی مانند ویلن وجود ندارد که تسلط کامل بر آن در دوره های بعدی مستلزم دقت در مراحل اولیه یادگیری باشد.» با این کتاب هر نوآموز ویلن از بهترین راهنمایی ها بهره خواهد برد.

